

شریعت فراگیر و جهانی

و

ناسخ شرایع پیشین

از روزی که پیامبر اسلام ﷺ پرچم توحید را به دست گرفت و مردم را به شریعت خود، دعوت نمود، تلویحاً و تصریحاً خود را پیامبر جهانی و شریعت خود را شریعت فراگیر خوانده و جهانیان را اعم از اهل کتاب و غیره به پیروی از شریعت خود، دعوت نمود، و لازمه نبوت فراگیر ناسخ بودن شریعت او نسبت به شرایع پیشین است، و این مسأله با دلایل کافی در این مقاله مطرح خواهد شد.

هیچ مسلمانی در جهانی بودن شریعت حضرت محمد ﷺ، شک و تردیدی به خود نداده و اگر شبهه‌ای هست از جانب برخی از یهود و نصاری است. آنان به خاطر جلب قلوب مسلمانان، پیامبر اسلام را تصدیق نموده ولی معتقدند او برای اصلاح عرب برانگیخته شده، نه برای اصلاح پیروان کتابهای آسمانی مانند یهود و نصاری. (۱)

آنگاه برای این ادعا، يك سلسله شبهات را مطرح می‌کنند که در حقیقت نمی‌توان به آن نام دلیل نهاد. اگر واقعاً اُمت عربی به علت این که در گمراهی و تباهی فرو رفته بودند، نیاز به اصلاح داشت، پیروان هر دو کتاب نیز دست کم از آنها نداشتند.

یهود با تحریف کتاب خود، چهره

بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿سبأ/ ۲۸﴾.

«ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم، تا آنها را به پاداش‌های الهی بشارت دهی و از عذاب او بترسانی ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

۲. ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...﴾ (اعراف/ ۱۵۸).

«ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم...».

۳. ﴿وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (نساء/ ۷۹).

«ما تو را پیامبری به سوی مردم فرستادیم و گواه خدا در این باره کافی است...».

۴. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء/ ۱۰۷).

«ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

۵. ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰی عَبْدِهِ لِيُكَوِّنَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان/ ۱).

«پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد».

۶. ﴿وَأَوْحٰی إِلَیَّ هٰذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ...﴾ (انعام/ ۱۹).

شریعت موسی را مسخ کرده و بسیاری از حقایق را مخفی نموده بودند. رجال کلیسا نیز خدای آسمانی را در بدن انسانی به نام مسیح محبوس نموده و آیین توحید را به تثلیث تبدیل نموده بودند، و به جای این که زمام زندگی را به «رب واحد» بدهند به دست اجبار و رهبان داده و اندیشه آنان را بر کتاب مقدس مقدم می‌داشتند.

ما فعلاً بحث در لغزش‌ها و اندیشه‌های غیر صحیح یهود و نصاری نداریم، آنچه مهم است دلایل جهانی بودن شریعت پیامبر است که آنها را مطرح می‌کنیم:

۱. قرآن و فراگیری شریعت اسلام

هرگاه پیروان هر دو کتاب، پیامبر ﷺ را راستگو می‌دانند، باید او را در همه دعوت‌ها راست و صحیح معرفی کنند. او در کتاب آسمانی، خود را به عنوان پیام آور جهانی که شریعت او ناسخ شرایع پیشین است، معرفی می‌کند. ما اینک به برخی از آیات اشاره می‌کنیم:

۱. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ

لِلْمُتَّقِينَ ﴿آل عمران/ ۱۳۸﴾.

«این بیانی است برای همه مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران ...».

دقت در این آیات به روشنی می‌رساند که رسالت او فراگیر بوده، و مخصوص عرب یا عجم نبوده است زیرا: مطالب را از آیات یاد شده می‌توان دریافت:

۱. در شش آیه از این آیات، مخاطبان را «ناس» (مردم) معرفی کرده و پیامبر را مأمور به هدایت مردم نموده است، و ناس را با «ال» مزین نموده تا دلالت کند که مقصود همه مردم جهان است نه خصوص عرب.

۲. در دو مورد، او را مبعوث به سوی «عالمین» (جهانیان) معرفی کرده است و مثلاً فرموده: ﴿لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾.

۳. در برخی از موارد، کلیه کسانی را که ندای او به آنها برسد مخاطب خود قرار داده و فرموده: ﴿لَأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغ﴾.

۴. در سوره صف و غده پیروزی او را بر همه ادیان داده و فرموده است: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾.

با توجه به این نکات و نکات دیگری

«این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که قرآن به آنها می‌رسد، به آن بیم دهیم ...».

۷. ﴿وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (صف / ۹).

«او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد هر چند مشرکان را خوش نیاید».

۸. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمَنُوا خَيْرًا لَكُمْ ...﴾ (نساء / ۱۷۰).

«ای مردم! پیامبری که انتظارش را می‌کشیدید، حق را از جانب پروردگارتان آورد، به او ایمان بیاورید که برای شما خوب است».

۹. ﴿الرَّ* كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم / ۱).

«این کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها (شرك) به سوی روشنی (ایمان) به فرمان پروردگار توانا و ستوده در آوری».

۱۰. ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ

که با تدبیر می‌توان به آنها رسید، روشن می‌شود که کتاب آسمانی پیامبر اسلام، او را، يك پیشوا و هادی جهانی و برای هدایت همهٔ مردم جهان مبعوث شده است، معرفی می‌کند.

هرگاه پیروان کتابهای آسمانی او را صادق و راستگو می‌دانند باید به پیام‌های جهانی او توجه کنند.

۲. رفتار و سیرهٔ پیامبر و جهانی بودن دعوت او

بررسی سیرهٔ پیامبر ﷺ در شیوهٔ دعوت روشن می‌سازد که دعوت او جهانی بوده و همهٔ افراد بشر را فرا می‌گیرد، و در دعوت خود، هرگز به نژاد و سرزمینی مقید نبوده، بلکه همهٔ انسان‌ها را مورد خطاب قرار می‌داد.

رسول گرامی ﷺ پس از آن که در مدینه مستقر گشت، و مخالفان دعوت را از پیش پای خود برداشت، سفیران خود را به نقاط دور جهان از بت‌پرستان و نصاری و یهود، اعزام کرد و همراه آنان نامه فرستاد و سران جهان را به آیین اسلام، دعوت

نمود. او نامه‌ای به قیصر روم، و کسری ایسران، و عظیم قبط، و ملک حبشه، و حارث بن ابی شمر غسانی پادشاه شام و حوزة بن علی فرمانروای یمامه فرستاد، و به این اکتفا نکرد و نامه‌های تبلیغی خود را به سران عرب و شیوخ قبایل و اسقف‌ها و امیران دست‌نشانده و کارگزاران فرستاد و آنان را به رسالت خویش دعوت نمود.

ما اکنون دو نامه از نامه‌های آن حضرت را در این جا با ترجمهٔ فارسی منعکس می‌کنیم تا روشن شود دعوت آن حضرت، حد و مرزی را نمی‌شناخت، و ادعای این که او پیامبر جامعهٔ عرب بود، کاملاً با گفتار و رفتار او مخالف می‌باشد:

نامه‌ای به کسری ایران

«بسم الله الرحمن الرحيم، من محمد رسول الله إلى كسرى عظيم فارس: سلام على من اتبع الهدى... أدعوك بدعاية الله فإني أنا رسول الله إلى الناس كافة، لأنذر من كان حياً، ويحق القول على الكافرين، أسلم تسلم، فإن أبیت فلیک إثم المجوس...» (۲)

«به نام خدای رحمان و رحیم، نامه‌ای است از محمد ﷺ فرستاده خدا به خسرو، بزرگ پارسیان، درود خدا بر پیروان هدایت. من تو را از سوی خدا دعوت می‌کنم، من فرستاده خدا به سوی همه مردم هستم تا همه انسانهای زنده را بیم دهم، و حجت بر کافران تمام شود، اسلام بیاور تا سالم بمانی و اگر نپذیرفتی گناه همه زرتشتیان به گردن توست».

نامه آن حضرت به قیصر روم

«بسم الله الرحمن الرحيم، إلى هرقل عظيم الروم. سلام على من اتبع الهدى، اما بعد فإني أدعوك بدعاية الإسلام، أسلم تسلم، يؤتلك الله أجرک مرتين فإن توليت فانما عليك إثم الأريسيين».^(۳)

«به نام خدای رحمان رحیم، نامه‌ای است به هرقل بزرگ رومیان. درود خدا بر پیروان هدایت. من تو را به اسلام دعوت می‌کنم. اسلام بیاور تا سالم بمانی، و خدا پاداش تو را دو چندان سازد و اگر روی برگردانی گناه تمام اریسیان بر گردن توست».

این نامه به سان نامه پیشن حاکی از آن

است که دعوت آن حضرت، حد و مرزی نداشته همه نقاط معموره آن روز را تحت پوشش تبلیغ خود قرار داده و آنان را به آیین خود، دعوت نموده است.

«سر توماس آرلوند» خاورشناس منصف، در کتاب خود به نام «الدعوة إلى الإسلام» یادآور می‌شود: این نامه‌ها هر چند غیر عادی به نظر می‌رسد، اما گذشت زمان ثابت کرد که این نامه‌ها تنها از روی احساسات تهی نوشته نشده است، بلکه نشان می‌دهد که پیامبر آنچه را در قرآن آمده، از همه مردم می‌خواهد و آن این که همه مردم، اسلام را بپذیرند.

گواه بر این که این نامه‌ها از روی احساسات تهی از خرد نوشته نشده است تأثیر فزاینده آنها در مخاطبان بود. جز خسرو ایران، همه گیرندگان، با نامه‌ها با احترام برخورد کردند، مثلاً قیصر روم برای تحقیق درباره نویسنده نامه دستور داد کسانی که از مکه به شام آمده بودند، به حضور وی فرا خوانده شوند تا از آنها

درباره وی سؤالاتی کند.

این میان کسری حرمت را رعایت نکرد و نامه را پاره کرد. در هر حال این نامه‌ها و تأثیر آنها در اقوام و ملل مختلف، حاکی از گستردگی دعوت و فراگیر بودن آیین و در نتیجه ناسخ بودن شریعت وی نسبت به شرایع پیشین است. (۴)

هنگامی که يك رشته سؤالات با مکیان که برای تجارت آمده بودند، مطرح کرد و ابوسفیان، دشمن پیامبر ﷺ پاسخ داد. قیصر گفت: اگر پاسخ‌های تو درست باشد، دعوت او به سرزمین من نیز می‌رسد.

۳. فرائد بودن اسلام و طبیعت شریعت آن

رهبر قبطیان به درباریان خود چنین گفت: من درباره این پیامبر مطالعه کرده‌ام. به کار بیهوده فرمان نمی‌دهد و از کار نیک جلوگیری نمی‌کند.

شریعت اسلام، در احکام فردی و اجتماعی خود، بر فطرت و مقتضای آفرینش انسان، تکیه می‌کند، آفرینشی که هرگز دگرگونی نمی‌پذیرد، و تا انسان در این کره موجود است، پایدار خواهد بود. این ویژگی سبب شده است که این آیین فراگیر بوده و در عین حال خاتم نیز باشد. آیین‌های اقلیمی، کوشش می‌کنند که

فروه عامل قیصر در عمان، نامه‌ای به رسول خدا نوشت و اسلام خود را اعلام کرد. وقتی قیصر از اسلام آوردن او آگاه شد، او را دستگیر کرد و از او خواست توبه کند. او توبه نکرد و سرانجام کشته شد.

خود را با شرایط اقلیمی تطبیق دهند، در حالی که آیین جهانی مانند اسلام از محدوده اقلیم تجاوز کرده، بشر را در هر کجا هست محور تشریح قرار می‌دهد،

پادشاه یمامه به پیامبر نوشت: پیام‌های شما چه زیبا و نیکوست. حتی کارگزاران کسری در یمن و «حضر موت»، به دعوت او پاسخ مثبت دادند. فقط در

۴. برای آگاهی از متون نامه‌های آن حضرت و تأثیری که در سران آن روز جهان نهاد به کتاب «مکاتیب الرسول»، جلد نخست، فصل نامه‌های آن حضرت به ملوک و سلاطین مراجعه فرمایید.

مثلاً اسلام در باب معارف، از توحید گرفته تا معاد، روی برهان عقلی تکیه کرده است، و این براهین گاهی به صورت اجمال و اشاره و گاهی به صورت گسترده بیان شده است. مطالعه شش آیه از آغاز سوره حدید عظمت معارف اسلام را به روشنی ثابت می کند.

در احکام عملی، فردی و اجتماعی، مانند نکاح و زناشویی و احکام اولاد بر فطرت انسانی تأکید شده است، فطرتی که در آن دگرگونی نیست.

در نظام اخلاقی و اجتماعی، صدق و راستگویی و ادای امانت، صبر و بردباری، عفو و گذشت، تواضع و فروتنی، سپاس و توکل، محور بحث قرار گرفته و به شدت از رذائل اخلاقی، مانند بخل، و بهتان و حسد و غیبت نهی شده است. چنین دستورات اخلاقی، نمی تواند از آن نژاد خاصی باشد.

در نظام سیاسی و اقتصادی، مصالح اجتماع را مطرح کرده و از ریا و غش و کم فروشی نهی نموده، و به داد و ستد عادلانه دعوت نموده است. اینک برخی از آیات را

که حاکی از نظام متوازن اسلام در قلمروهای مختلف است در این جا منعکس می کنیم:

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل / ۹۰).

«خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند. خداوند به شما اندرز می دهد شاید متذکر باشید».

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (نساء / ۵۸).

«خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید، خداوند اندرزهای خوبی به شما می دهد و خداوند شنوا و بیناست».

۳. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران / ۱۰۴).

نیست - گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است».

آیینی که بر همه این امتیازهای بشری، و تبعیض های قبیله ای و منطقه ای قلم قرمز می کشد نمی تواند آموزه های خود را به گروه خاصی اختصاص دهد و دیگران را از آن محروم سازد.

اینک به برخی از کلمات در بار پیامبر گرامی ﷺ که حاکی از گستردگی شریعت اوست، اشاره می کنیم:

۱. «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَفَاخُرَهَا بِأَبَائِهَا أَلَا إِنَّكُمْ مِنْ آدَمَ وَآدَمَ مِنْ طِينٍ ، أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ عَبْدٌ اتَّقَاهُ»^(۵).

«ای مردم! خدا، خودستایی و خود بر تربیتی جاهلیت و فخر فروشی به پدران را از شما دور ساخته است. همگان از آدم هستید و آدم از گل آفریده شده است، آگاه باشید بهترین بندگان خدا بنده ای است که خدا را نافرمانی نکند».

۲. «أَلَا إِنَّ الْعَرَبِيَّةَ لَيْسَتْ بِأَبِ وَالِدٍ،

«باید از میان شما جمعی، دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند، و آنها همان رستگارانند ...».

۴. اسلام و نژادپرستی

شما می توانید فراگیری اسلام و گستردگی آن را نسبت به همه ملل جهان، از نقطه دیگری نیز مورد بررسی قرار دهید و آن این که اسلام، پیوسته با ملی گرایی و نژادپرستی و تکیه بر خون و زمین و لون و رنگ مبارزه کرده، ملاک برتری را پیراستگی انسان از گناه و خلاف قرار داده است، و آیه یاد شده در زیر در میان آیات دیگر، روشن ترین گواه بر این مسأله است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/ ۱۳).

«ای مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید این ها ملاک امتیاز

و سخنان پیامبر، و طبیعت رسالت او برای ما روشن ساخت که اسلام از روز نخست، قلمرو خاصی را به رسمیت نشناخته، هر چند به صورت طبیعی به تدریج پیشرفت کرده است. چیزی که هست گاه و بیگاهی برخی از مخالفان، پیرامون جهانی بودن پیام‌های او، شبهاتی را مطرح کرده‌اند که به تحلیل و نقد آنها می‌پردازیم:

۱. هشدار به يك ملت

از برخی از آیات استفاده می‌شود که رسول خدا برای بیم دادن، به ملت خاصی مبعوث شده است، مانند: ﴿وَلَكِنْ رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّكَ لَتَنْذِرَ بِه قَوْمًا مَا أَنَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (قصص / ۴۶).

«ولی این رحمتی از سوی پروردگارت بود تا ملتی را هشدار دهی که پیش از این هشدار دهنده‌ای برای آنان نیامده بود، شاید آنان متذکر شوند».

پاسخ

یکی از قواعد رایج در علوم انسانی،

ولكنها لسان ناطق، فمن قصر عمله لم يبلغ به حسبه»^(۶).

«آگاه باشید که زبان عربی جزه آفرینش شما نیست، بلکه زبانی برای تفاهم است. آن کس که کردارش نارسا باشد، حسب و نسب او، وی را به جایی نمی‌رساند».

۳. «إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلَ أَشْنَانِ الْمَشْطِ، لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِي وَلَا أَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى»^(۷).

«مردم از روزگار آدم تا به امروز، مانند دندان‌های شانه برابرند، عرب را بر عجم، سفید را بر سیاه جز با پرهیزگاری برتری نیست».

این کلمات که آنها را در يك مجمع عمومی در حجة الوداع فرمود، همگی حاکی از آن است که شریعت وی برای خود حد و مرزی نمی‌شناسد، و عرب و عجم در نزد او یکسان است.

شبهات جهانی بودن رسالت

تا این جا، دلایلی از کتاب آسمانی،

۷ و ۶. این مضمون در سورهٔ مریم، آیهٔ ۹۷، سجده آیهٔ ۳، یس، آیهٔ ۶ آمده است.

برای خدا فرزندی تراشیده‌اند، یهود نیز، عزیز را فرزند خدا پنداشته‌اند.

گاهی بلاغت ایجاب می‌کند که انسان، فرد خاصی را طرف خطاب قرار دهد، و در مواردی بلاغت ایجاب می‌کند که درباره قشر وسیعی سخن بگویید، و اگر در آن آیات پیشین، گروه محدودی را مورد خطاب قرار داده، در آیات دیگری سخن را متوجه جهانیان نموده است و می‌فرماید:

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ﴾ (یونس / ۲).

«آیا برای مردم شگفت‌آور بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم که مردم را بیم ده».

۲. پیامبر برای ام القری و حومه آن آمده است!

از برخی از آیات استفاده می‌شود که رسول خدا مأمور بود که مکه و حومه آن را بیم دهد و هدایت کند، چنان که می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ الْقُرْآنَ عَرَبِيًّا لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَنُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي

این است که اگر انسان در موضوع خاصی سخن گفت، دلیل بر حصر سخن او به آن موضوع نیست، و اگر در این آیه گفت: گروه خاصی را بیم دهید، دلیل بر آن نمی‌شود که او در جای دیگر گروه‌های دیگر را بیم نخواهد داد، چنان که معروف است اثبات شیء نفی ماعداه نمی‌کند. مثلاً در سوره یس می‌فرماید: ﴿لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ﴾ (یس / ۶): «تا گروهی را بیم دهی که پدرانشان بیم داده نشده‌اند».

ان آیه به این معنا نیست که فقط این گروه را بیم دهی، به گواه این که در همین سوره می‌فرماید: همه زنده‌ها را بیم دهی ﴿لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا﴾ (یس / ۷۰): «تا افرادی را که زنده‌اند بیم دهد».

و در آیه سوم، شأن رسول خدا را این می‌داند که نصاری را بیم دهد، می‌فرماید: ﴿وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذُوا اللَّهَ وَوَلَدًا﴾ (کهف / ۴): «آنها را که گفته‌اند خداوند فرزندی برای خود گرفته است، بیم دهد».

و همگی می‌دانیم که نه تنها نصاری

السَّعِيرِ (شوری/ ۷).

۳. پیامبر به زبان عربی مبعوث شده است

از آیات قرآنی استفاده می شود که هر پیامبری، به زبان ملت خودش سخن می گوید و کتاب آسمانی او نیز به همان زبان است، چنان که می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيَلْسِنَ قَوْمِهِ لِيَتَّبِعُنَا لَهُمْ وَبِضَلِّ اللَّهُ مِنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (ابراهیم/ ۴).

«ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا حقایق را برای آنها آشکار سازد، سپس خدا هر کس را بخواهد شایسته بداند، هدایت می کند، او توانا و حکیم است. بنابراین پیامبر اسلام نیز به خاطر داشتن زبان عربی برای قوم خود فرستاده شده است، نه برای ملت های دیگر».

پاسخ

این شبهه، بسیار پاسخ روشن دارد، زیرا باید دو مطلب را از یکدیگر جدا کرد:

۱. هر پیامبری به زبان قوم خود سخن می گفت و تبلیغ می کرد.

۲. هر پیامبری فقط برای قوم خودش

«این گونه قرآنی عربی را بر تو وحی کردیم تا امّ القری و مردم پیرامون آن را بیم دهی و آنها را از روزی که همه آفریدگان در آن جمع می شوند و شك و تردیدی در آن نیست بترسانی، گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان».

در این آیه، مخاطبان پیامبر ﷺ، مردم مکه و حومه آن معرفی شده اند و دیگر سخشن شرق و غرب عالم را فرا نمی گیرد.

پاسخ

همان طور که در گذشته گفتیم، مخاطب قرار دادن گروهی، دلیل بر انحصار دعوت به آنها نیست، به گواه این که در آیه دیگر به همین لحن، همه کسانی را که پیام قرآنی به آنها می رسد، مورد خطاب قرار می دهد و می فرماید: ﴿... وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ...﴾ (انعام/ ۱۹).

«این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می رسد، با آن بیم

دهم ...».

برانگیخته شده است.

اگر مصلحی، در قوم خود موفق نباشد، در دعوت جهانی نیز موفق نخواهد بود، و لذا باید همت خود را برای هدایت ملت خویش مصروف دارد، تا ایمان آنان نشانه پاکدامنی و اخلاص او در دعوت گردد، آنگاه برای دیگران نیز حجت و الگو شود.

در پایان یادآور می‌شویم که در کتاب‌های کلامی، مسأله جهانی بودن دعوت پیامبر ﷺ مطرح شده، هر چند هر کدام به تقاضای زمان خود سخن گفته‌اند و باید امروز همان مطالب به زبان دیگر مطرح شود. (۸)

آیه یاد شده، مطلب نخست را متذکر می‌شود، نه مطلب دوم را. ممکن است نبوت پیامبری فراگیر باشد، ولی او به زبان قوم خود با مردم سخن بگوید. طبعاً اقوام دیگر نیز از طریق ترجمه از سخنان او آگاه می‌شوند و بنا نیست پیامبری که نبوت او جهانی است با صدها گویش سخن بگوید.

نکته این که هر پیامبری به زبان قوم خود سخن می‌گوید این است که او باید دعوت خود را از قوم خود، آغاز کند، زیرا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۸. در این باره به منابع یاد شده در زیر مراجعه شود:

تمهید الأوائل و تلخیص الدلائل، نگارش باقلانی، متوفای ۴۰۳؛ شرح الاصول الخمسة، نگارش قاضی عبدالجبار بن احمد معتزلی، متوفای ۴۱۶، ص ۵۸۵ به بعد؛ مغنی، نگارش قاضی عبدالجبار بن احمد، ج ۱۶، ص ۱۳۸؛ شرح المقاصد، نگارش تفتازانی، متوفای ۷۹۳، ج ۵، ص ۴۶؛ کشف المراد، نگارش علامه حلی متوفای ۷۳۶، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ مفاهیم القرآن، ج ۳، ص ۳۹-۷۲.